

Investigating cases of exemption from civil liability of armed forces personnel

Received: 2023-11-29

Pp. 167-202

Accepted: 2024-12-25

Yousef Esmailzadeh¹, Hasan hasanzadeh²

Abstract

Background and Objective: Armed forces personnel, considering the totality of their duties and missions, may be subject to various responsibilities, including civil liability, as a result of the actions they take. Civil liability and the conditions for its realization for armed forces personnel, except in some special cases, are the same as those foreseen for ordinary persons, but there are differences between them in terms of the causes of liability or the reasons for exemption from civil liability. The purpose of the present study is to explain the instances of exemption from civil liability of armed forces personnel and to identify the differences that exist in the inclusion of these instances for these personnel compared to ordinary persons.

Methodology: The research is descriptive-analytical, written using a library-documentary method, and is practical in terms of purpose.

Findings: The findings of the study show that the causes of liability or reasons for exemption from liability are one of the most important general rules in the discussion of civil liability, examples of which include: 1- Force majeure, 2- Action of the injured party, 3- Fault of the injured party, 4- Law and order of the legal authority, 5- Emergency, 6- Consent of the injured party, 7- Warning, 8- Self-defense.

Results: The grounds for exemption from civil liability are grounds that, under certain conditions, exempt the perpetrator of harmful behavior from liability. Given that; Armed Forces personnel may engage in harmful behavior in many cases while performing their duties and missions, the prediction of these grounds prevents the establishment of a causal relationship between harmful behavior and damage, and they are exempted from liability. The results show that the scope of these grounds for Armed Forces personnel is broader due to the importance of the missions they are responsible for, and they can be exempted from civil liability in many cases, despite the damage caused, by citing any of these grounds.

Keywords: Civil liability, armed forces personnel, tortious act, damage, exemption.

Citation (APA): Esmailzadeh, Yousef, & hasanzadeh, Hasan (2025). A Investigating cases of exemption from civil liability of armed forces personnel, *Quarterly of Supervision and Inspection*, 18 (70), 167-202.

DOI: <https://doi.org/10.22034/si.2025.104185>

1 - PhD in Private Law, yosefsmailzadeh1395@yahoo.com

2 - Master of Science in Psychology, Researcher at the Applied Research Office of the A. Gharbi Police Command, Urmia, Iran.



بررسی موارد معافیت از مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

صص ۱۶۷-۲۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

یوسف اسماعیل زاده^۱، حسن حسن زاده^۲

چکیده

زمینه و هدف: کارکنان نیروهای مسلح با توجه به مجموع وظایف و مأموریت‌هایی که دارند، ممکن است در اثر اقداماتی که انجام می‌دهند مشمول مسئولیت‌های متعددی از جمله مسئولیت مدنی قرار گیرند. مسئولیت مدنی و شرایط تحقق آن در مورد کارکنان نیروهای مسلح، به جزء در برخی از موارد خاص همان مواردی است که در خصوص اشخاص عادی پیش‌بینی شده است اما از نظر، علل رافع مسئولیت یا اسباب معافیت از مسئولیت مدنی، تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد. هدف از پژوهش حاضر، تبیین مصادیق معافیت از مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح و شناخت تفاوت‌هایی است که در شمول این مصادیق برای این کارکنان در مقایسه با افراد عادی وجود دارد.

روش: پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده که به روش کتابخانه‌ای - اسنادی به نگارش در آمده و از نظر هدف کاربردی است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، علل رافع مسئولیت یا اسباب معافیت از مسئولیت، یکی از مهم‌ترین قواعد عمومی در بحث مسئولیت مدنی است که مصادیق آن عبارتند از: ۱- قوه قاهره (فورس ماژور)، ۲- اقدام زیان‌دیده، ۳- تقصیر زیان‌دیده، ۴- حکم قانون و امر آمر قانونی، ۵- اضطرار، ۶- رضایت زیان‌دیده، ۷- تحذیر (هشدار)، ۸- دفاع مشروع.

نتیجه‌گیری: اسباب معافیت از مسئولیت مدنی، اسبابی هستند که تحت شرایطی مرتکب رفتار زیان‌بار را از مسئولیت معاف می‌کند. با توجه به این‌که؛ کارکنان نیروهای مسلح در انجام وظایف و مأموریت‌های خود در موارد متعددی ممکن است رفتارهای زیان‌باری داشته باشند، پیش‌بینی این اسباب مانع برقراری رابطه سببیت بین رفتار زیان‌بار و خسارت وارده شده و آن‌ها از مسئولیت رهایی می‌یابند. نتایج نشان می‌دهند گستره این اسباب در مورد کارکنان نیروهای مسلح با توجه با اهمیت مأموریت‌هایی که برعهده دارند وسیع‌تر بوده و آن‌ها می‌توانند در موارد متعددی علی‌رغم ورود خسارت با استناد به هر یک از این اسباب از مسئولیت مدنی رهایی یابند.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی، کارکنان نیروهای مسلح، فعل زیان‌بار، خسارت، معافیت.

استناد (APA): اسماعیل زاده، یوسف، و حسن زاده، حسن (۱۴۰۳). بررسی موارد معافیت از مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح. *فصلنامه نظارت و بازرسی*، ۱۸ (۷۰)، ۱۶۷-۲۰۲.
DOI: <https://doi.org/10.22034/si.2025.104185>

۱- دکترای حقوق خصوصی، معاون هماهنگ‌کننده فرماندهی انتظامی آذربایجان غربی، ارومیه، ایران. (رایانامه نویسنده مسئول: yosefsmazelzadeh1395@yahoo.com)

۲- کارشناسی ارشد روان‌شناسی، پژوهش‌گر دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی آذربایجان غربی، ارومیه، ایران. (رایانامه: hassanzadeh.hassan33@gmail.com)



برخلاف گذشته که دولت‌ها و حکومت‌ها دارای منشأ آسمانی تلقی می‌شدند و شاهان و پادشاهان خود را نماینده مطلق خداوند در تمام امور بر روی زمین می‌پنداشتند؛ در نتیجه مردم نیز با پذیرش منشأ آسمانی و الهی حکومت آن‌ها، هرگونه اتخاذ تصمیم از سوی آن‌ها را ولو این‌که متضمن خسارات و مشقت برای آن‌ها می‌بود آن را مشیت الهی و تقدیر الهی به حساب می‌آوردند و اعتراضی نمی‌کردند؛ در نتیجه در چنین اوضاع و احوالی اصولاً پذیرش مسئولیت مدنی دولت و حکومت و نیز قابل بازخواست بودن او امری غیر ممکن و یا اقلأ دشوار بود. بعد از ورود به قرن ۱۸ میلادی و با ظهور اندیشمندان و مکاتب مختلف، دولت و نقش آن نیز دچار تغییر گشت و قراردادی اجتماعی منشأ به وجود آمدن دولت تلقی که به موجب آن مردم در قبال اعطای بخش محدودی از آزادی‌های مشروع خود به دولت، در مقابل از دولت تقاضای حفظ امنیت، جان، مال، ناموس و... خود را مطالبه کردند. بدین ترتیب؛ مردم و شهروندان با دولت که حافظ نظم عمومی و امنیت اجتماعی است قراردادی منعقد کردند که در صورت نقض تعهدات ناشی از این قرارداد از جانب هریک از طرفین، در مقابل هم مسئولند (حسین پور، ۱۴۰۳: ۲۶).

مسئولیت مدنی یکی از محسوس‌ترین بخش‌های مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن است. چرا که دولت و کارکنان آن‌ها در قبال اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری هر آن ممکن است دست به خطایی زنند که موجب مسئولیت آنان در قبال دیگران شود. برای تحقق مسئولیت مدنی، همواره مداخله مادی شخص در حادثه زیان‌بار لازم است. مداخله مادی یعنی ارتباط مادی شخص با حادثه، که این ارتباط ممکن است از طریق فعل شخصی، فعل اشیاء و فعل غیر برقرار شود. بنابراین فعل شخصی یکی از موارد مداخله مادی شخص در حادثه زیان‌بار است. مقصود از فعل شخصی، ارتکاب فعل یا ترک فعل از سوی شخص است که منجر به حادثه زیان‌بار می‌شود. از این‌رو ارتکاب فعل زیان‌بار برای تحقق مسئولیت مدنی ضروری است (بیرانوند، ۱۳۹۵: ۷۹). ولی گاهی فعل زیان‌بار در

شرایط و اوضاع و احوالی انجام می‌شود، که موجب تحقق مسئولیت مدنی نمی‌شود که در اصطلاح از آن‌ها تحت عنوان اسباب معافیت از مسئولیت مدنی یاد می‌شود. اسباب معافیت یا علل رافع مسئولیت، شرایطی هستند که در آن شرایط، واردکننده زیان، مسئول جبران خسارت نیست. یعنی عواملی که علی‌رغم تحقق عناصر سه‌گانه ایجاد ضمان (فعل زیان‌بار، ورود ضرر و رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ورود ضرر)، موجبات معافیت عامل زیان را از جبران خسارات وارده بر زیان دیده فراهم می‌آورند. اسباب معافیت از مسئولیت مدنی و یا علل رافع مسئولیت مدنی، در مورد کلیه اشخاص، از قواعد یکسان و ثابتی برخوردار نبوده و بسته به شخص مرتکب و ارتباطی که بین فعل زیان‌بار او و مأموریت‌ها و وظایف قانونی شخص ممکن است وجود داشته باشد، متفاوت است. از همین‌روست که در بحث مسئولیت مدنی، بین مسئولیت مدنی اشخاص عادی با مسئولیت مدنی دولت و کارکنان تفاوت‌های متعددی وجود دارد. از جمله مهم‌ترین وجوه متمایز بین اشخاص عادی با کارکنان دولت در بحث مسئولیت مدنی، شرایط و گستره اسباب معافیت از مسئولیت مدنی است.

نیروهای مسلح به‌عنوان مصداق بارز کارکنان دولت که بسیاری از رفتارهای آن‌ها تحت پوشش اعمال حاکمیتی قرار می‌گیرد، با توجه به وظایف و مأموریت‌هایی که دارند، از جهات متعددی ممکن است مشمول مقررات مسئولیت مدنی و در ادامه معافیت از مسئولیت مدنی قرار گیرند. با توجه به اهمیت مطالعاتی آشنایی با اسباب معافیت نیروهای مسلح از مسئولیت مدنی و شناخت وجوه متمایز این اسباب در مورد رفتارهای زیان‌بار نیروهای مسلح، پژوهش حاضر با هدف تبیین اسباب معافیت از مسئولیت مدنی نیروهای مسلح به نگارش در آمده است. این‌که در چه مواردی نیروهای مسلح از مسئولیت مدنی برخوردارند؟ مسئله و پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که کارکنان نیروهای مسلح در چه مواردی از مسئولیت مدنی معاف خواهند بود؟

سجادی کیا و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «تأملی نو پیرامون نقض حقوق شهروندان و مسئولیت مدنی مأموران انتظامی با نگاهی به فقه امامیه» به این نتیجه می‌رسند که: «مسئولیت مدنی به عنوان قاعده‌ای عام و فراگیر، امروزه بر اشخاص حقیقی و حقوقی در دو حوزه حقوق عمومی و حقوق خصوصی حکومت دارد. تلاش عمومی این پژوهش ناظر بر مطالعه نیروی انتظامی به مثابه یکی از اشخاص حقوقی است که هنگام اعمال وظایفش دارای مسئولیت مدنی می‌شود. برآیند این پژوهش آن است که اگر پلیس خطایی را مرتکب شود که خارج از کنترل او بوده و به همین دلیل خسارتی متوجه اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) شود، سازمان مربوطه باید خسارات وارده را جبران کند؛ حتی اگر مأمور خاطی در انجام وظیفه خود مرتکب تقصیری نیز شده باشد».

باشکوه و نوروزی قره‌آغاچ (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی مسؤولیت مدنی ناشی از اعمال حاکمیت نیروهای مسلح در حقوق ایران و ترکیه» به این نتیجه می‌رسند که: «تعدد قوانین مستقل و اختصاصی مهم‌ترین چالش برای نیروهای مسلح ایران با وجود گستردگی مأموریت‌های آنان است. تفکیک مسئولیت مدنی نیروهای مسلح از سایر اشخاص به مانند آنچه که در مورد نیروهای مسلح ترکیه پیش‌بینی شده می‌تواند در افزایش حمایت از این نیروها مفید باشد».

بیرانوند و میرکمالی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت در دعاوی مسئولیت مدنی با تأکید بر مسئولیت مدنی پلیس» به این نتیجه می‌رسند که: «یکی از انواع مهم دفاع در مسئولیت مدنی، دفاعیات مبتنی بر تحدید میزان مسئولیت است که اثبات آن بدون نفی مسئولیت خوانده، صرفاً محدوده مسئولیت خوانده و میزان خسارات قابل پرداخت توسط وی را کاهش می‌دهد. در این خصوص سه دسته کلی از دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت در دعاوی مسئولیت مدنی قابل شناسایی و بررسی است که به ترتیب بر مبنای دفاع ناظر بر نقش زیان‌دیده در ارتباط با

حادثه (شامل تقصیر مشارکتی زیان‌دیده و نیز نقض وظیفه تقلیل خسارت)، دفاع ناظر بر مداخله اشخاص ثالث و تعدد عاملین زیان در وقوع حادثه و در نهایت دفاع ناظر بر حسن نیت عامل زیان تقسیم‌بندی می‌شود».

فضلی روزبهانی و طاهرزاده (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع و چالش‌های اعمال مسئولیت مدنی کارکنان و مدیران سازمان‌های دولتی در ایران و ارائه راه‌کارهای مناسب» به این نتیجه می‌رسند که: «در نظام حقوقی ایران، عدم یکپارگی قوانین، عدم انسجام در اعمال رهیافت‌های نظری پیرامون مبنای مسئولیت مدنی کارکنان دولت از موانع و چالش‌های اساسی مسئولیت مدنی کارکنان و مدیران سازمان‌های دولتی است».

شمشیری (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پلیس» به این نتیجه می‌رسند که: «امروزه پرونده‌های متعددی در خصوص مسئولیت مدنی پلیس در محاکم تشکیل می‌شود اما برای تعیین مسئولیت آن‌ها، رویه واحد و مشخصی حاکم نیست. بعضی از احکام دادگاه‌ها بدون توجه به قواعد مسئولیت مدنی صادر می‌شود. با این وصف، با شناسایی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پلیس و با عنایت به آثار و پیامدهای منفی که از طرح دعاوی مسئولیت مدنی علیه پلیس نشأت می‌گیرد، باید اقدامات خاصی در جهت کاهش حوادث زیان‌بار از سوی آنان کرد».

جمال بخشی و کاظمی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «جبران خسارت بازداشت منتهی به براءت مظنون و متهم در پرتو اسناد بین‌المللی و فقه (نظریات امام خمینی «ره»» به این نتیجه می‌رسند که: افرادی که تحت شرایطی بازداشت می‌شوند، دارای حقوقی از جمله جبران خسارت مادی و معنوی مدت زمان بازداشت آن‌ها در صورت صدور حکم براءت در انتهای پژوهش‌ها هستند و این مهم در قواعد فقهی ریشه دارد و اسناد بین‌المللی و منشور حقوق شهروندی و قوانین مسئولیت مدنی و آیین دادرسی کیفری آن‌را پیش‌بینی کرده است. هم‌چنین نتایج نشان داد که بازداشت متهمان و مظنونان، استثنایی است و در صورت صدور حکم براءت یا قرار منع تعقیب قطعی متهم، وی بر اساس قواعد فقهی از جمله قاعده احترام، قاعده اتلاف و

قاعده لاضرر و همچنین مقررات حقوق شهروندی، مستحق جبران خسارت مادی و معنوی است».

قادری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «انطباق مسئولیت مدنی و عدالت اجتماعی: توجه به مؤلفه تقصیر عمدی» به این نتیجه می‌رسند که: «تقصیر بر اساس عنصر معنوی به تقصیر عمدی و غیر عمدی، تقسیم می‌شود. تقصیر عمدی می‌تواند اساس آثار و احکامی در عمل قرار گیرد که هیچ ذوق سلیمی نمی‌تواند آنرا انکار کند. از مهم‌ترین اثرات تقصیر عمدی، تأثیر در رابطه سببیت می‌باشد. رابطه سببیت رکن اساسی و عنصر حیاتی مسئولیت مدنی است. یعنی باید بین ضرر وارده و تقصیر عرفاً رابطه‌ای وجود داشت باشد. نظریه تقصیر به تنهایی نمی‌تواند مبنای منحصر مسئولیت مدنی باشد؛ زیرا گاهی عدالت ایجاب می‌کند که کسی متحمل ضرر شود که مقصر نبوده است بنابراین باید تقسیم مسئولیت بر اساس درج تقصیر مورد توجه قرار گیرد».

بیرانوند (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «مطالعه عوامل رافع مسوولیت مدنی پلیس در حقوق ایران و حقوق عرفی» به این نتیجه می‌رسند که: «چگونگی ارتکاب فعل زیان بار و هم چنین عوامل مخدوش کننده رابطه سببیت در قالب عواملی هم چون حکم قانون، امر آمر قانونی، دفاع مشروع، تقصیر و پذیرش خطر زیان دیده، اضطرار و تحذیر می‌توانند باعث شود مأموران پلیس به طور کامل از مسئولیت مدنی معاف شده یا در جبران خسارت آنان تخفیف داده شود. همچنین در کامن لا علاوه بر شمول موارد مذکور، مأموران پلیس بر اساس دو نوع معافیت شامل معافیت مطلق و معافیت مشروط از مسئولیت مدنی به طور کامل معاف شده یا در پرداخت خسارت آنان تعدیل شده است. برابر این رویه، مأموران صرفاً در اجرای دستورهای مقام قضایی و ادای شهادت از معافیت مطلق برخوردارند و در عمده مأموریت‌های پلیسی، مشمول معافیت مشروط بر اساس شرایط خاص می‌باشند و مهم‌ترین معیار سنجش برخورداری از معافیت مشروط نیز وجود دلیل معقول است».

محمدی‌نیا (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقش علم به قانون در مسئولیت مدنی و کیفری ضابطان دادگستری» به این نتیجه می‌رسند که: «ضابطان

دادگستری و به‌ویژه کارکنان ناجا به‌عنوان ضابطان عام دادگستری وظایف مهمی را در مرحله کشف جرم، تعقیب متهم و پژوهش‌های مقدماتی به‌عهده دارند. به مناسبت همین وظایف، ممکن است ضابطان دادگستری به‌واسطه نقض حقوق شهروندی یا ایراد صدمه به افراد در مقابل افراد، مسئول قلمداد شوند. نتایج پژوهش در این خصوص نشان می‌دهد که گرچه جهل به قانون نمی‌تواند برطرف‌کننده مسئولیت کیفری و مدنی ضابطان دادگستری باشد ولی در کیفیت و میزان مسئولیت آنان مؤثر است».

جمع‌بندی پیشنهادی

تفاوت پژوهش موضوع این مقاله با پژوهش‌های یاد شده و مطالعات متعدد دیگری که پیرامون مسئولیت مدنی نیروهای مسلح و ضابطان دادگستری انجام‌یافته در این است که این مقاله به‌صورت خاص به تبیین و مطالعه علل و اسباب معافیت نیروهای مسلح می‌پردازد که تاکنون مطالعه‌ای در این خصوص انجام نیافته است.

مبانی نظری

تعریف مسئولیت مدنی: تعاریف متعددی از مسئولیت مدنی ارائه شده است؛ برخی معتقدند؛ مسئولیت مدنی به‌معنای لزوم جبران خسارتی است که مرتکب خارج از الزامات قراردادی و یا اعمال مجرمانه به دیگران وارد می‌کند. این در حالی است که در تعبیر دیگر مسئولیت مدنی قسمی از مسئولیت حقوقی معرفی شده است که در آن، مسئولیت مدنی؛ به تعهد و الزام شخص نسبت به جبران خسارت وارده به دیگری تعریف شده است (حسین‌پور، ۱۴۰۳: ۲۶). اغلب تعاریف دارای مضمون مشابهی هستند که می‌توان از آن‌ها نتیجه گرفت که؛ به مسئولیت شخص در قبال جبران خسارت وارده به دیگری که در نتیجه رفتار خسارت بار شخص ایجاد شده، مسئولیت مدنی گفته می‌شود. مسئولیت مدنی از زوایای متعددی تقسیم‌بندی شده است که مهم‌ترین آن‌ها در باب ضمان، تقسیم مسئولیت مدنی به مسئولیت مدنی قراردادی و مسئولیت

مدنی غیر قراردادی است. در مسئولیت مدنی قراردادی مسئولیت در نتیجه عدم ایفای تعهدات ناشی از عقد است که متعهد علیه ملزم به انجام آن‌ها بوده لیکن به انجام نرسانده است. از این مسئولیت تحت عنوان مسئولیت عهدی یا ضمان ناشی از عقد نیز یاد شده است. بنابراین، مسئولیت مدنی قراردادی، ناشی از عقد و قراردادی است که بین متعهد له و متعهد علیه منعقد شده که متعهد علیه از عهده تعهد بر نیامده است و از همین رو ملزم به جبران خسارت است. اما مسئولیت مدنی خارج از قرارداد که موضوع اصلی بحث در مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح در این مقاله نیز است، مسئولیتی است که بدون وجود قراردادی، مرتکب به دلیل ارتکاب رفتار خسارت بار به دیگری، ملزم به جبران خسارت شده است. از این مسئولیت تحت عنوان مسئولیت قهری یا ضمان قهری نیز یاد شده است.

نیروهای مسلح: واژه «نیروهای مسلح» در ماده ۱ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح این گونه توصیف شده است: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران: به ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته اطلاق می‌شود». در مورد اجزاء نیروهای مسلح در ماده ۱۹ این آیین نامه چنین مقرر شده است: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی و وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته تشکیل شده است، عناصر و ترکیبات متشکله آن به شرح زیر است:

الف) ستاد فرماندهی کل قوا: به مجموعه سازمان فرماندهی کل قوا و سازمان‌ها و دفاتر پیوسته و وابسته و قسمت‌هایی که بنا بر امور فرماندهی معظم کل قوا پشتیبانی آن‌ها به ستاد فرماندهی کل قوا محول شده است اطلاق می‌شود.

ب) ارتش جمهوری اسلامی ایران: به مجموعه ستاد مشترک، نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی و سازمان وابسته به آن‌ها اطلاق می‌شود.

ج) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: به مجموعه فرماندهی کل، ستاد کل سپاه، نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی، نیروی مقاومت بسیج و نیروی قدس و سازمان‌های وابسته به آن‌ها اطلاق می‌شود.

د) نیروی انتظامی: به مجموعه شهربانی، ژاندارمری، و کمیته انقلاب اسلامی اطلاق می‌شود.

ه) وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح: به مجموعه وزارت دفاع و کلیه مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های تابع آن اطلاق می‌شود.

مسئولیت مدنی، مبتنی بر نظریات متعددی مورد توجه قرار گرفته است که در کل می‌توان مجموع آن‌ها را در یکی از دو تقسیم‌بندی ذیل قرار داد:

مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر: مطابق این نظریه، در صورت مسئولیت مدنی تحقق می‌یابد که اثبات شود؛ تقصیر مرتکب منجر به خسارت شده و بین تقصیر و خسارت وارده رابطه علیت وجود دارد. یعنی این مدعی است که باید ثابت کند که مرتکب رفتار خسارت‌بار، توأم با تقصیر بوده و خسارتی به وی وارد شده است و همچنین ثابت کند که این خسارت در اثر تقصیر مرتکب بوده است. در این صورت است که مدعی می‌تواند جبران خسارت وارده را از مدعی علیه بخواهد؛ چرا که مدعی علیه به دلیل قصور مشمول مقررات ضمان شده است. ایراد وارده به این نظریه، در خصوص اثبات رابطه علیت و فرض عدم تقصیر مرتکب است که مدعی باید ثابت کند بر خلاف اصل، وی مرتکب تقصیر شده است. از این رو اثبات این مهم در راستای اقناع وجدانی دادرس، مدعی علیه را در موضع ضعف قرار می‌دهد. مطابق این نظریه؛ در خصوص مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح، باید مدعی اثبات کند که اولاً مأمور مرتکب تقصیر شده و ثانیاً در اثر تقصیر مأمور و به علت این تقصیر خسارتی به مدعی وارد شده است.

نظریه‌های مسئولیت مدنی مبتنی بر عدم تقصیر: با توجه به ایرادات وارده به نظریه تقصیر، نظریه دیگر تحت عنوان رهیافت مبتنی بر عدم تقصیر مطرح شد. این نظریه برخلاف نظریه مبتنی بر تقصیر، اصل را در تقصیر مرتکب قرار

داده که وی مشمول مقررات ضمان است مگر این که ثابت کند تقصیری مرتکب نشده است. از این رو در صورت ارتکاب ایجاد خسارت در اثر رفتار مأمور، وی ضامن جبران خسارت است مگر این که ثابت کند، تقصیری مرتکب نشده یا خسارت نتیجه تقصیر وی نبوده است.

لازم به توضیح است علاوه بر نظریات یاد شده نظریات دیگری نیز در باب ضمان یا مسئولیت مدنی مطرح شده که از مهم ترین آن ها می توان به نظریه تضمین حق، تساوی شهروندان، خطر در برابر انتفاع و ... اشاره کرد.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و به روش کتابخانه ای اسنادی به نگارش در آمده است. ابزار گردآوری اطلاعات، فیش برداری است که با مطالعه و کنکاش در کتب، مقالات، پایان نامه و رساله های دانشگاهی و قوانین و مقررات جاری به دست آمده و با استنتاج از داده های تحصیل شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها

مطابق بررسی های صورت گرفته، اسباب متعددی برای رفع مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح متصور است که در صورت مواجهه با این اسباب و تحقق شرایط پیش بینی شده، از مسئولیت معاف خواهند بود. مصادیق این اسباب و شرایطی که برای رفع مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح پیش بینی شده اند بدین ترتیب هستند:

قوه قاهره (فورس ماژور)

یکی از بارزترین اسباب معافیت از مسئولیت مدنی که در حقوق اغلب کشورهای دنیا مورد پیش بینی قرار گرفته، مواجهه با قوه قاهره یا فورس ماژور است. مفهوم فورس ماژور از حقوق رم گرفته اقتباس شده که تحت عنوان

«ویس ماژور»^۱ یا «ویس دیوینا»^۲ از آن یاد می‌شد. این عامل رافع مسئولیت به معنای، وقایع غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتنابی است که به دلیل آن اجرای تعهد امکان‌پذیر نبوده است؛ از این‌رو غیرقابل اجتناب بودن و غیرقابل پیش‌بینی بودن واقعه؛ موجب رفع مسئولیت می‌شود. قوه قاهره یا شرایط فورس ماژور، بعد از حقوق کامن‌لا، به نظام سویل‌لا نیز وارد شده که از نمونه‌های این اقتباس می‌توان به قوانین فرانسه از آن یاد شده اشاره کرد که این عامل را از مصادیق معافیت از جبران خسارت ذکر کرده است (حافظی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۸-۱۱۶). در حقوق فرانسه «فورس ماژور» به صورت یک تأسیس مستقل مطرح و حدود و ثغور آن مشخص شده است. در حقوق ایران نیز این سبب به عنوان یکی از اسباب معافیت از مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده است. از فورس ماژور در نظام حقوقی ایران به قوه قاهره یا قوه قهریه تعبیر شده و آن عبارت است از واقعه‌ای است که غیر قابل پیش‌بینی و اجتناب باشد و متعهد را در حالت عدم قدرت بر اجرای تعهد خویش قرار دهد (تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۳-۱۲۲).

معافیت کارکنان از مسئولیت مدنی در صورت وجود قوه قاهره در فقه هم پذیرفته شده است؛ در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز موادی دیده می‌شود که از فقه اقتباس شده و مفید همین معنی است؛ مثلاً ماده ۵۰۰ این قانون مقرر می‌دارد: «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند اینکه در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است (صفائی، ۱۳۹۶: ۲۱۰) هم‌چنین در مواد ۵۰۲ و ۵۳۰ همان قانون به قاعده یادشده تصریح شده است. از این مواد و مواد دیگر قانون مجازات اسلامی به وضوح بر می‌آید که اگر خسارت ناشی از یک حادثه خارجی، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل دفع باشد، به نحوی که نتوان آن را به خواننده دعوی نسبت داد، مسئولیتی برعهده او نخواهد بود. گرچه ظاهراً مواد یاد شده ناظر به قوه قاهره به معنی خاص است؛ لیکن با توجه به مواد دیگر مانند مواد ۵۰۴، ۵۰۵ و ماده

1- Vis Major

2- Vis divina

۵۳۷ قم ۱، حکم مذکور قابل گسترش به مواردی است که ضرر ناشی از تقصیر ثالث یا تقصیر متضرر باشد که واجد شرایط قوه قاهره است؛ زیرا در این موارد نیز ضرر منتسب به یک علت خارجی است نه کارکنان نیروهای مسلح که به ظاهر عامل زیان بوده‌اند (صفائی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۲۱۰). برای توسل به قوه قاهره به عنوان سببی برای رفع مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح باید شرایط ذیل احراز و اثبات شود:

۱- حادثه‌ای قوه قاهره تلقی می‌شود که خارجی و به تعبیر دقیق‌تر، خارج از اراده کارکنان متعهد و قلمرو مسئولیت آن‌ها باشد. ماده ۲۲۶ قم با ذکر اینکه متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت کند که عدم انجام، به واسطه علت خارجی بوده که نمی‌توان به او مربوط نمود تصریح کرده است (نظری، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

۲- برای معافیت کارکنان از مسئولیت، صرف خارجی بودن حادثه کافی نیست، بلکه حادثه‌ای فورس مازور تلقی می‌شود که علاوه بر خارجی بودن، اجتناب‌ناپذیر بوده و غیرقابل دفع باشد. در واقع اجرای تعهد با وقوع چنین حادثه‌ای غیر ممکن می‌شود و هیچ‌کس متعهد به امر غیرممکن نیست. در حقوق ایران، ماده ۲۲۹ ق.م. بدین شرط تصریح کرده است. در حقوق فرانسه گفته می‌شود مقصود از عدم امکان در این باب، عدم امکان مطلق است، نه نسبی و شخصی. یعنی حادثه‌ای فورس مازور تلقی می‌شود که باعث عدم امکان اجرای تعهد برای همه باشد، نه فقط برای متعهد و ناشی از وسائل و امکانات ضعیف او. در حقوق ایران در خصوص کارکنان می‌توان از ملاک ماده ۲۰۲ قم در این زمینه استفاده کرد. در واقع صدر ماده مذکور به معیار نوعی و قسمت ذیل آن به معیار شخصی نظر دارد. بنابراین علاوه بر معیار نوعی باید معیار شخصی هم در نظر گرفته شود تا بتوانیم ملاک جامعی را در اختیار داشته باشیم. بنابراین هر چند ملاک نوعی در نظر گرفته می‌شود، اما از توجه به خود شخص کارکنان نیز نباید غافل ماند (نظری، ۱۳۹۵: ۱۲۵).

۳- حادثه، هنگامی غیرقابل پیش‌بینی است که به‌طور معمول، امکان پیش‌آمدنش وجود نداشته باشد، بنابراین اگر کارکنان بتوانند علت خارجی را پیش‌بینی کنند، برای آن‌ها فورس مازور محسوب نمی‌شود، بنابراین اگر احدی از کارکنان در راستای بی‌مبالاتی ادعا کند که پیش‌بینی حادثه را نمی‌کرده، حتی اگر واقعاً این‌طور باشد، از وی پذیرفته نمی‌شود بلکه حادثه باید به‌نحوی باشد که نوع متعارف کارکنان آن‌را پیش‌بینی نکنند. از نظراتی، جز در مسئولیت‌های مطلق (محض) مثل غضب، که فورس مازور هم کارکنان متعهد را از مسئولیت مبرا نمی‌سازد، در سایر مسئولیت‌ها باراثبات فورس مازور بر عهده کارکنان متعهد است (ماده ۲۲۷ ق.م).

۴- تنها حادثه دائمی می‌تواند اجرای تعهد کارکنان را به‌طور کلی منتفی کند و به‌عنوان عاملی برای معافیت آن‌ها از مسئولیت در نظر گرفته شود. درست است که حادثه موقتی نیز ممکن است مانع اجرای تعهد کارکنان بشود، منتها در این حالت بعد از رفع مانع، امکان اجرای آن تعهد برای کارکنان وجود دارد؛ بنابراین در مدتی که عاملی به‌طور موقت مانع اجرای تعهد آنان می‌شود، در این مدت تعهد تعلیق می‌شود و سپس بعد از رفع مانع، به مجرای طبیعی خود باز می‌شود. بنابراین کارکنان متعهد نمی‌توانند حوادث موقتی را موجب سقوط مسئولیت خود بدانند و موظف هستند بعد از رفع مانع موقتی، تعهد خود را انجام دهند.

بررسی‌ها حاکیست که اگر قوه قاهره به تنهایی سبب ایراد خسارت باشد، مسئولیت به کلی از عهده کارکنان برداشته می‌شود؛ اما در جایی که قوه قاهره به‌همراه تقصیر زیان زننده سبب ایراد خسارت شده، مثل این‌که بر اثر سرعت غیرمجاز راننده و تگرگ شدید، خسارتی ایجاد شود، موضوع محل اختلاف واقع شده است، آن‌چه از فقه و مواد ۲۳۵ ق.م و ماده ۵۰۰ ق.م.ا (که مقرر داشته است: در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند اینکه در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است) استنباط می‌شود، این است که در مواردی که تقصیر کارکنان به همراهی قوه قاهره

خسارتی را به بار آورده، تنها سببی را که حقوق می شناسد، تقصیر آن کارکنان است که با ضرر رابطه سببیت دارد، پس باید آن ها را مسئول جبران خسارت شناخت و اثر حادثه خارجی را نادیده گرفت (تقی زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۰).

نتایج نشان گر این مطلب است که معیار تشخیص قوه قاهره نوعی است نه شخصی؛ بدین معنی که حادثه ای قوه قاهره تلقی می شود که عرفاً غیر قابل پیش بینی و غیر قابل اجتناب باشد. اگر حادثه عرفاً قابل پیش بینی یا قابل اجتناب باشد، ولی کارکنان متعهد آن را پیش بینی نکرده یا توانایی دفع آن را نداشته باشند مسئول می باشند؛ زیرا در این گونه موارد نمی توان گفت حادثه به کارکنان متعهد مربوط نیست ضابطه نوعی به صراحت در قوانین ایران ذکر نشده، ولی از برخی مواد به ویژه ماده ۵۲۱ ق.م.ا قابل استناد است. با عنایت به موارد یاد شده، می توان نتیجه گرفت که کارکنان نیروهای مسلح در انجام وظایف و مأموریت های خود در صورتی که مرتکب رفتار زیانباری خارج از کنترل خود به دلیل مواجهه با عامل خارجی غیر قابل پیش بینی شوند، در صورت اثبات شرایط یاد شده مشمول مقررات معافیت از مسئولیت خواهند بود. فرض کنید نیروهای مسلح در اجرای وظایف قانونی یا در اجرای دستور قضایی، متهمی را بازداشت می کند اما در اثر زلزله، سقف یا دیوارها فرو ریخته و بازداشت شده تلف شود. در چنین مواردی با عنایت به این که، شرایط قاعده فورس ماژور فراهم است و اجتناب از خطرات خارج از توان ضابط است، وی مسئولیتی نخواهد داشت. به تعبیر دیگر، اگر ضابط یا هر یک از مأموران نیروهای مسلح که به سبب قانونی فردی را بازداشت کرده اند، ثابت کنند که به واسطه حادثه ای نظیر آنچه که در مثال بالا بیان شد (یعنی زلزله) که دفع آن خارج از حیطه اقتدار وی بوده و در نتیجه آن نتوانسته از عهده تعهد خود بر آید، مستند به ماده ۲۲۹ قانون مدنی محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود. در این مثال، شرط اول یعنی خارجی بودن حادثه محرز است چرا که زلزله، از حوادث خارجی محسوب می شود. شرط دوم، یعنی اجتناب ناپذیر و غیر قابل دفع بودن نیز قابل اثبات است، چرا که یک حادثه غیر قابل اجتناب است که

دفع آن از توان ضابط خاج می‌باشد. در مورد شرط سوم نیز بدیهی است که زلزله حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی است.

اقدام زیان‌دیده

از دیگر اسباب معافیت از مسئولیت مدنی نیروهای مسلح، اقدام بزه‌دیده است. اکثر علمای لغت اقدام را پیش رفتن در کاری، به کاری دست زدن؛ پا پیش گذاشتن در امری و پیشی کردن معنی کرده‌اند. در اصطلاح حقوقی، مقصود از قاعده اقدام این است که اگر شخصی بالغ و رشید باشد و با علم و اراده بر علیه خود، بر امور مالی اقدام کند، خواه زمینه ورود زیان را بر اموال خود داشته باشد؛ با توجه به این‌که در این‌جا نیز، زیان‌دیده اقدامی علیه خود یعنی به ضرر خود انجام داده لذا مستند به ماده ۱۲۱۵ ق.م.مشمول قاعده اقدام بوده و، ضمان از او ساقط می‌شود و موجب معافیتش از مسئولیت قهری می‌شود در چنین مواردی عقلاً هیچ‌گونه مسئولیتی برای کارکنانی که این عمل را انجام داده است، قائل نیستند و قهراً شرع هم مسئولیتی نمی‌بیند؛ از این‌رو به طور صریح قاعده اقدام از موارد معافیت مسئولیت مدنی کارکنان مذکور محسوب می‌شود (تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۴۹). هر گاه اقدام زیان‌دیده غیرقابل پیش‌بینی باشد یعنی اوصاف قوه قاهره را به خود اختصاص دهد، کارکنان از جبران خسارت معاف می‌شوند؛ زیرا عمل زیان‌دیده رابطه سببیت بین عمل کارکنان و زیان‌ها را قطع می‌کند. در صورتی‌که هر گاه اقدام عملی زیان‌دیده فاقد اوصاف قوه قاهره باشد و کارکنان بتوانند آن را پیش‌بینی یا از آن پیش‌گیری کند ولی در این باره کوتاهی کند خسارت به هر دو نسبت داده می‌شود و باید به نسبت دخالت اقدام کننده از مسئولیت کارکنان (فاعل زیان) کاسته شود (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۰). نتیجه این‌که؛ مطابق با قاعده اقدام، هرگاه اثبات شود که شخصی با وجود امکان اجتناب و دوری از خطر، خود را در معرض آسیب‌های وارده از رفتار کارکنان نیروهای مسلح قرار دهد، عامل زیان مسئولیتی بر عهده نخواهد داشت. مبنای عدم مسئولیت عامل در چنین مواردی پذیرفتن زیان‌های احتمالی و بالقوه در آن است.

تقصیر بزه دیده نیز به مانند اقدام بزه دیده از دیگر اسباب معافیت از مسئولیت مدنی است که در خصوص نیروهای مسلح نیز قابلیت استناد دارد. سیر تحولات تاریخی در جمهوری اسلامی ایران مؤید این حقیقت است که مقنن قانون گذار هم به صورت عام و هم در موارد خاص نظیر تصادفات به تبیین نقش تقصیر زیان دیده در وقوع فعل زیان بار و تعیین مسئولیت آن تصریح کرده است. قانون گذار در ماده ۱۶۵ قانون دریایی ۱۳۴۳ در خصوص حکم خاص تصادم دو کشتی، مسئولیت را بر مبنای اهمیت تقصیر و در صورت عدم تشخیص تقصیر اهم و یا وجود تساوی در تقصیر طرفین، قاعده تساوی مسئولیت را مبنای جبران خسارت قرار داده است. همچنین در بند ۲ ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی «نحوه مداخله» هر یک از مسئولان، معیار تقسیم مسئولیت قرار داده و لذا بنابر قاعده یادشده، دادگاه تمام عواملی را که سبب ایراد ضرر شده اند (مانند درجه تقصیر، سرعت و سنگینی وسیله نقلیه) مورد ارزیابی قرار داده و با بررسی تمام این موارد «نحوه مداخله» را تشخیص می دهد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به موجب مواد ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۶۳ و ۳۶۵، بر اساس نقش طرفین در وقوع زیان اعم از مباشرت، تسبیب یا اجتماع سبب و مباشر، چگونگی تعیین مسئولیت تصریح شده که مطابق آن ها، در صورت جمع سبب و مباشر، مباشر ضامن بوده مگر این که اثبات شود سبب اقوی از مباشر بوده است و در صورت اجتماع اسباب یعنی چند سبب، قاعده تساوی جاری می شود. مقنن در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، در مواد ۴۹۲، ۴۹۴، ۵۰۶ ضمن تأکید بر موضوعات مباشرت، تسبیب و اجتماع سبب و مباشر (همانند قانون قبلی)، ملاک مسئولیت را استناد وقوع فعل زیان بار به مباشر یا تسبیب یا هر دو قرار داده و بدین ترتیب، استناد عرفی، ملاک جبران خسارت ذکر شده است. بر این مبنای قانون گذار در اقدامی متفاوت، در ماده ۵۲۶ قاعده عامی را برای تعیین مسئولیت در مواردی که چند عامل در وقوع زیان دخالت دارند پیش بینی کرده است که از نوآوری های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. مطابق این ماده «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به

مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایت، تأثیری داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن هستند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند...» از این رو قانون گذار در این ماده هم معیار تساوی و هم معیار تعیین مسئولیت بر مبنای درجه تقصیر را پذیرفته است که از این حیث با قواعد تقصیر مشترک و تقصیر مقایسه‌ای حقوق کاملاً مشابه می‌باشد. علاوه بر این قانون گذار در موارد خاصی از قبیل رانندگی نیز مقرراتی را مورد تصریح قرار داده که مطابق آن‌ها، چنانچه وقوع فعل زیان بار در تصادفات رانندگی صرفاً به تقصیر یکی از طرفین مستند باشد برابر قسمت اخیر ماده ۵۲۸ ق.م.ا.وی مسئول جبران خسارت وارده است و در صورت انتساب حادثه به طرفین مقصر، مطابق صدر ماده مذکور، هر دو بر اساس میزان تقصیر مسئولیت خواهند داشت (بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۸۵-۱۸۳).

همچنین وفق تبصره ماده ۴۷۳ ق.م.ا. در صورتی که زیان دیده از روی تقصیر وارد منطقه نظامی یا ممنوعه شود و مأمور به وی تیراندازی کند، مسئولیتی بر عهده مأمور متصور نیست. علاوه بر قانون مجازات اسلامی، در برخی از قوانین خاص مربوط به مأموران پلیس نیز می‌توان رد پای نقش تقصیر زیان دیده در رفع مسئولیت مدنی پلیس یافت. از جمله این قوانین، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح است. قانون گذار در تبصره (۱) ماده ۴۱ این قانون به موضوع تقصیر زیان دیده اشاره کرده است. برابر این تبصره «چنانچه تیراندازی، مطابق مقررات صورت گرفته باشد، مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و اگر مقتول یا مجروح مقصر نبوده و بی گناه باشد، دیه از بیت المال پرداخت خواهد شد» برابر این تبصره و همچنین ماده ۱۲ ق.ب.س، تیراندازی مأمور بر اساس مقررات موجب معافیت مأمور از مسئولیت است اما شرط معافیت سازمان از مسئولیت مدنی (پرداخت دیه)، عدم تقصیر زیان دیده است و در صورت ارتکاب تقصیر زیان دیده، سازمان معاف از مسئولیت خواهد بود.

کمیسیون قضایی و حقوقی س.ق.ن.م در مواردی به نقش تقصیر زیان دیده در موارد مشابهی اظهار نظر کرده است. در یکی از پرونده‌ها بدین شرح استعلام صورت گرفته است: «راننده یک خودرو که مبادرت به جابه‌جا کردن تعدادی افغانی غیرمجاز می‌کرده، در یکی از معابر مرزی بدون توجه به ایست مأموران انتظامی، اقدام به فرار کرده است و مأموران به تصور حمل قاچاق مواد مخدر به تعقیب خودرو پرداخته و نهایتاً با رعایت کلیه موازین قانونی در خصوص نحوه به‌کارگیری سلاح و پس از تیراندازی، خودرو را متوقف و مشخص شده است، در اثر تیراندازی مأموران چند نفر افغانی مجروح و کشته شده‌اند و افغانه نیز در اظهارات خود بیان داشته‌اند آن‌ها مرتب به راننده متذکر می‌شدند که به ایست مأموران توجه کرده و خودرو را متوقف کند تا آن‌ها پیاده شوند، لکن راننده به راه خود ادامه داده است، علی‌احال در قضیه فوق آیا راننده خودرو به‌عنوان اقوی بودن سبب از مباشر که به ایست مأموران و تذکر افغانه توجه نکرده و اقدام به فرار نموده است ضامن دیه قتل و جرح می‌باشد یا بیت‌المال؟ کمیسیون مذکور اظهار نظر کرده است: عدم توجه راننده خودرو به ایست مأموران و توقف نکردن و فرار او سبب شده است تا مأموران وفق مقررات قانون به‌کارگیری سلاح تیراندازی کرده و آن‌را متوقف کنند. در صورتی که اگر راننده به ایست مأموران توجه کرده و خودرو را متوقف می‌کرد مأموران مجبور نمی‌شدند برای متوقف کردن آن تیراندازی کنند، تا منجر به قتل و جرح سرنشینان افغانی خودرو شود. از این‌رو با توجه به عمل ارتكابی راننده و انطباق آن با مواد ۳۱۶ و ۳۱۸ قانون مجازات اسلامی (سابق) به لحاظ تسبیب در جنایت، مقصر و ضامن بودن راننده خودرو محرز است و پرداخت دیه از بیت‌المال موجه نیست».

حکم قانون و امر آمر قانونی

حکم قانون و امر آمر نیز از علل رافع تقصیر و مسئولیت کارکنان نیروهای مسلح به‌شمار می‌رود. مطابق بند اول ماده ۱۵۸ ق.م.ا «در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد» ارتکاب آن رفتار قابل مجازات نیست. به علاوه از عبارت «بدون مجوز قانونی» در صدر ماده ۱ مسئولیت مدنی نیز این

استنباط می‌شود که چنانچه رفتاری با مجوز قانون بوده، از مصادیق تقصیر محسوب نشده و بدین ترتیب فاقد مسئولیت مدنی خواهد بود. در واقع مصالح جامعه و رعایت حقوق مردم ایجاب می‌کند که قانون‌گذار مقررات ویژه‌ای را برای تنظیم روابط اجتماعی وضع کند و به‌موقع اجرا بگذارد. هرگاه از اجرای درست این مقررات زبانی به دیگران وارد آید قانون‌گذار یا مجری قانون مسئول جبران زیان‌ها نیست. زیرا نفس اجرای قانون تعدی محسوب نمی‌شود اگرچه زیان‌آور باشد مگر این‌که مأمور از حدود اختیارات خویش تجاوز کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۲۸). در حقوق امروز نیز هر گاه شخصی از حق قانونی خویش به جا و به اندازه استفاده کند، پاسخ‌گویی نتایج زیان‌بار آن نخواهد بود (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸: ۱۲۹). لیکن اجرای هر امر اداری یا قضایی، هر چند به‌طور صریح حاوی تأمین حقوق اشخاص نباشد، محدودیت‌های عرفی و قانونی خود را دارد و در حدود این قلمرو و عرفی باید اجرا شود و کارکنان موظف هستند تمام احتیاط‌های معقول را برای پرهیز از اضرار به دیگران رعایت کنند. اباحه اضرار ممکن است ناشی از حکم مسقیم قانون نباشد، ولی عرف آن را مباح بدانند و سبب معاف شدن از مسئولیت شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۲۲۳-۳۲۲). بدین ترتیب حکم قانون به‌طور مطلق تقصیر کارکنان نیروهای مسلح را برطرف نمی‌کند بلکه در صورت محرز شدن شرایط مسئولیت، مشمول مسئولیت کیفری و مدنی خواهند داشت مگر این‌که، بر اساس حکم قانون و بدون تقصیر اقدام کرده باشد (عباسلو، ۱۳۸۹: ۲۷). برای تحقق این شرط و معافیت کارکنان نیروهای مسلح بایستی؛ اولاً قانون معتبر باشد، یعنی کارکنان با عنایت به حکم قانونی اقدام کرده باشند که منسوخ نبوده و مجمل یا ناقص یا مبهم نیز نباشد. ثانیاً، مأمور صلاحیت اجرای این قانون را داشته باشد، از این‌رو اگر فردی از نیروهای مسلح در غیرمواردی که صلاحیت اقدام داشته، رفتار زیان‌باری انجام دهد، مسئولیت خواهد داشت و حکم قانون مبنی بر رفع مسئولیت وی، قابل استناد نیست. ثالثاً؛ مطابق مقررات قانونی اقدام کرده باشند.

اضطرار حالتی است که کارکنان نیروهای مسلح برای مصون نگه داشتن خود یا دیگری از خطر زیان بار موجود یا قریب الوقوع، به ناچار ضرر کمتری را به دیگری که در ایجاد خطر زیان بار نقشی نداشته است (شخص ثالث) وارد نمایند (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۱). ماده ۱۵ ق.م.م و ماده ۳۳۰ ق.م نیز به این قاعده اشاره کردند. در بسیاری از موارد پلیس برای انجام وظایف خود، ناچار و مضطر می شود به شهروندان آسیب یا خسارتی وارد کند، مثلاً برای دستگیری یک مجرم خطرناک خودروی شخصی را که حاضر نیست با پلیس همکاری کند غصب کند یا برای دسترسی به متهم به وسیله اسلحه یا تجهیزات همراه خود قفل ها را بشکند و موانع را از بین ببرد که در نتیجه آن خسارتی به شهروندان وارد شود، حال با توجه به این که این اقدامات یک امر متعارف بوده و هر پلیس معقول و متعارفی از این اقدامات استفاده خواهد کرد، این پرسش مطرح می شود که آیا مأمور پلیس که از این اقدامات اضطراری هیچ نفع شخصی ندارد و فقط برای برقراری نظم عمومی و اجرای عدالت و پیشگیری از جرم به ناچار به این اقدامات دست زده است دارای مسئولیت مدنی (پرداخت دیه و ضمان مالی) است؟ به نظر می رسد با توجه به این که پلیس زبانی به بار آورده که به سود دیگری و جامعه است، در چنین مواردی اعمال قاعده کلی و تحمیل دیه و ضمان مالی بر پلیس عادلانه نباشد و تحمیل مسئولیت سبب شود در شرایط اضطراری هیچ مأموری دست به اقدامی نزند که برای او مسئولیت آور باشد، از سوی دیگر تکلیف شهروندان غیرمقصری که نقشی در حادثه زیان بار نداشته اند چه می شود؟ در اضطرار دو بی گناه رو در روی یکدیگر قرار گرفته اند، بدیهی است خسارت شهروندان باید جبران شود، اما چه کسی باید این خسارات را جبران کند؟ (صفری کاکرودی، ۱۳۹۲: ۱۰۸) در پاسخ به این مسئله دو راه حل را می توان ارائه کرد:

الف - تبه کار یا شخصی که پلیس در صدد دستگیری اوست، عامل اصلی در ایجاد چنین شرایط اضطراری است و اوست که باید خسارات وارده به شهروندان را به عنوان مسبب، جبران نماید.

ب - سازمان پلیس به عنوان شخص حقوقی و به نیابت از سوی حکومت (بیت‌المال) مکلف به جبران چنین خسارتی در نظر گرفته شود.

راه حل نخست با مانع مصداقی و حقوقی روبه‌روست، زیرا در موارد بسیاری که پلیس دست به اقدامات و اعمال مخاطره‌آمیز می‌زند و به اضطرار خسارتی به شهروندان وارد می‌سازد، تبه‌کار یا مجرم معین و مشخصی وجود ندارد. مثلاً پلیس به تصور این که ممکن است آتش‌سوزی یا انفجار مهیبی روی دهد، عازم مأموریتی می‌شود که در این رهگذر و به لحاظ بروز شرایط اضطراری، خسارتی وارد می‌شود. هم‌چنین مانع حقوقی مسئول شناختن تبه‌کاری که شرایط اضطراری خسارت‌آمیز برای پلیس ایجاد کرده، این است که هر شخص فقط مسئول خسارت‌های قابل پیش‌بینی است و نمی‌توان مدعی شد که شخص تبه‌کار متواری، در ورود خسارت به مزرعه شخصی که پلیس به اضطرار به آن وارد شده و خسارتی به بار آورده است، نقش مستقیم دارد و مکلف به جبران آن است.

در مقابل راه حل دوم با اصول و قواعد کلی هماهنگی بیش‌تری دارد. زیرا اولاً هیچ‌گونه خسارتی نباید بلاجبران باقی بماند (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) و خسارات ناشی از اعمال اضطراری پلیس نیز بایستی توسط سازمان پلیس جبران شود. ثانیاً پلیس غیرمقصر علی‌الاصول تکلیفی به جبران خسارت ندارد، اما به عنوان جبران خسارات ناشی از اعمال و اقدامات مخاطره‌آمیز (نظریه خطر) می‌توان سازمان پلیس را مسئول جبران خسارت در نظر گرفت بی‌آن که تقصیری را به این سازمان نسبت داد. ثالثاً می‌توان مدعی شد که سازمان پلیس از این اقدامات زیان‌باری که ناشی از اضطرار بوده است، سهم و فایده‌ای را تحصیل کرده است. زیرا سازمان پلیس به‌عنوان نماینده جامعه در حفظ امنیت و آسایش به حساب می‌آید و جامعه نیز از اقدامات پلیس، بهره می‌برد و همین اعمال و اقدامات امنیتی و پلیسی است که جامعه را در آسایش و راحتی قرار می‌دهد پس جامعه‌ای که از امتیاز آسایش و آرامش بهره‌مند می‌شود بایستی بهای آن را نیز بپردازد و سازمان پلیس به‌عنوان نماینده جامعه مکلف به جبران خسارت است (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸: ۲۷۲-۲۷۱).

بررسی پیشینه تقنینی نشان می‌دهد که قانون‌گذار تا قبل از تصویب ق.م.ا. ۱۳۹۲؛ در تبصره ماده ۵۵ ق.م.ا. ۱۳۷۰ مضطر را واجد مسئولیت مدنی دانسته بود، اما این تبصره در ق.م.ا. ۱۳۹۲ حذف و اشاره‌ای به مسئولیت مدنی مضطر اشاره نشده است. از این اقدام قانون‌گذار دو تفسیر نقل شده است؛ یا این که قانون‌گذار مضطر را از حیث مدنی مسئول نمی‌شناسد که اگر چنین بود همان گونه که با ذکر عبارت «قابل مجازات نیست»، مضطر را از حیث کیفری مسئول نمی‌داند، بر عدم مسئولیت مدنی مضطر نیز تأکید می‌کرد. یا اینکه قانون‌گذار اصل را بر مسئولیت مدنی مضطر گذاشته است که در این صورت بهتر بود نسبت به این موضوع تصریح می‌کرد یا این که مطابق قسمت اخیر ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، وضعیت مسئولیت مدنی مضطر را تابع «مقررات مربوط» می‌دانست اگرچه که در قوانین مدنی و مسئولیت مدنی در خصوص مسئولیت مدنی مضطر مقرراتی وجود ندارد (بیرانوند، ۱۳۹۵: ۱۴۰-۱۳۹).

به نظر می‌رسد؛ با توجه به مأموریت‌هایی که قانون‌گذار برای کارکنان نیروهای مسلح در نظر گرفته؛ لازم است شرایط اضطراری و استناد به آن در مورد نیروهای مسلح در مقایسه با شهروندان عادی متفاوت بوده و مشمول مقررات خاصی قرار گیرد چرا که از یک سو؛ مأموریت‌های آن‌ها به نحوی است که در موارد متعددی ممکن است در شرایط اضطراری قرار گیرند و از سوی دیگر، در این شرایط هیچ گونه نفع شخصی نداشته بلکه به خاطر امنیت مردم و جامعه وارد اقدامات اضطراری خطرپذیر می‌شوند.

رضایت زیان دیده

قاعده پذیرش خطر یا رضایت بزه دیده روش دیگری است که بر اساس آن مسئولیت، زایل می‌شود. بدین معنا که فردی که عالماً در وضعیت خطرناکی شرکت می‌کند نباید انتظار دریافت خسارات حاصله ناشی از آن رفتار را داشته باشد (کاپلر، ۱۹۸۹: ۴۴). این قاعده دفاع مثبت برای خواننده بر اساس معیار ذهنی^۱ است که اعلام می‌دارد خواهان به صورت عالماً و عامداً خود را در معرض

وضعیت خطرناک قرار داده است. در نظام حقوقی کامن‌لا به خصوص در کشورهای انگلیس و آمریکا این قاعده مورد توجه دادگاه‌های آن‌ها قرار گرفته و آراء متعددی در خصوص مأموران پلیس با استناد به این قاعده صادر شده است (اوربیک، ۲۰۱۴: ۲۶۵). در حقوق انگلیس دفاع خواننده بر اساس رضایت خواهان یا اقدام به ضرر خود در مواردی استفاده می‌شود که خواهان به پذیرش خطر رضایت داده است و بنابراین او حق اقامه دعوی جبران خسارت را ندارد.

در حقوق فرانسه نیز تأثیر رضایت زیان‌دیده به‌عنوان یکی از عوامل موجهه فعل زیان‌بار و رافع مسئولیت مدنی میان حقوق‌دانان محل بحث است. اکثر حقوق‌دانان اعلام کرده‌اند که اصولاً رضایت زیان‌دیده جنبه نامشروع و ناهنجار عمل زیان‌بار کارکنان را در خصوص خسارت مالی از بین می‌برد و از علل موجهه به‌شمار می‌آید و اما در مورد زیان‌های وارده به شخص رضایت زیان‌دیده را مانع مطالبه خسارت به‌شمار نمی‌آورند. لیکن در زمینه مسئولیت قهری استدلال شده که قواعد مسئولیت مدنی خارج از قرارداد، مربوط به نظم عمومی است و قراردادهای عدم یا تحدید مسئولیت مغایر نظم عمومی و باطل‌اند. البته این رویه مورد انتقاد برخی از استادان حقوق فرانسه قرار گرفته است و گفته شده که نظم عمومی مانع از آن نیست که زیان‌دیده از کل یا بخشی از خسارت حتی، پیش از وقوع زیان، صرف‌نظر کند همان‌طور که می‌تواند پس از ورود ضرر، از مطالبه خسارت صرف‌نظر کند و از این لحاظ تفاوتی بین مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد نیست بر فرض این‌که این نظر را بپذیریم که در مسئولیت قهری قابل ایراد می‌کند در خصوص مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح به‌نظر می‌رسد که به این عامل برای معافیت از جبران خسارت استناد کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

در قوانین ایران، یکی از مواردی که برای معافیت مأمورین نیروهای مسلح در استناد به قاعده پذیرش خطر استناد کرد، قسمت ابتدایی تبصره ماده ۴۷۳ ق.م.ا است قانون‌گذار در این تبصره مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی با علم به خطر یا از روی تقصیر، وارد منطقه ممنوعه نظامی و یا هر مکان دیگری که ورود به آن ممنوع است، شود و مطابق مقررات، هدف قرار گیرد، ضمان ثابت

نیست و در صورتی که از ممنوعه بودن آن آگاهی نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.» در این تبصره قانون‌گذار در قسمت ابتدایی (علم به خطر) به قاعده پذیرش خطر و در ادامه (از روی تقصیر) هم به قاعده تقصیر زیان‌دیده (که اشاره شد) تأکید کرده است. علاوه بر قانون مجازات اسلامی، برابر قسمت ابتدایی بند (۳) ماده (۴) قانون مسئولیت مدنی، فراهم کردن تسهیل ایجاد زیان توسط زیان‌دیده یکی از موارد تخفیف خسارات خوانده است. بنابراین، اگر دخالت زیان‌دیده در وقوع فعل زیان‌بار، به گونه‌ای باشد که عرفاً فعل به او مستند شود و رابطه سببیت بین فعل عامل و ضرر وارده منتفی شود، زیان‌دیده، نه تنها نمی‌تواند خواهان جبران خسارت وارده بر خویش شود بلکه باید خسارت وارده بر عامل را نیز جبران کند. بر این مبنا و با استناد به قاعده پذیرش خطر باید گفت وقتی فرد مظنون از تعقیب پلیس فرار می‌کند در این صورت خطر ناشی از خسارات و صدمات را خود می‌پذیرد و نمی‌تواند از پلیس تقاضای مطالبه این خسارات را کند. بدین ترتیب، متهمی که در تعقیب کارکنان نیروهای مسلح به واسطه سرقت مسلحانه فرار می‌کند نباید انتظار دریافت خسارات ناشی از تعقیب پلیس را داشته باشد دادگاه اعمال کننده قاعده پذیرش خطر می‌تواند حکم دهد که متهم با انتخاب ارتکاب سرقت و تلاش برای فرار از دست مأمور، خطر وجود ضرر را پذیرفته است. از این رو با توجه به پذیرش خطر توسط متهم، مأمور برای هیچ خسارت ایجاد شده‌ای مسئول نیست.

تحدیر (هشدار)

تحدیر در لغت به معنای بر حذر داشتن، بیم دادن و کسی را متوجه امری کردن است و در اصطلاح هرگاه کسی قبل از انجام دادن فعلی، به دیگری هشدار دهد و شنونده نسبت به هشدار شخص بی تفاوت باشد و در اثر همان رفتار که از پیش هشدار داده شده است خسارتی به نامبرده وارد شود، هشداردهنده مسئولیتی نخواهد داشت (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق: ۲۴۴). قانون‌گذار در ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تغییراتی در ماده ۳۴۱ سابق مقرر می‌دارد «هرگاه کسی در معابر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات

قانونی و نکات ایمنی عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت شود، ضامن نیست.» در این ماده نیز قانون‌گذار اگرچه صراحتاً به رکن هشدار اشاره نکرده است ولی می‌توان یکی از موارد «رعایت نکات ایمنی» را نصب علائم هشداردهنده تفسیر کرد. یکی از مواردی که قانون‌گذار در این قانون به نقش هشدار در رفع مسئولیت مدنی اشاره کرده است ماده ۵۰۸ و تبصره‌های آن است. به‌نحوی که قانون‌گذار در اصل ماده عدم آگاهی زیان‌دیده را به استناد اقدام عامل زیان و در تبصره ۱ سهل‌انگاری در اطلاع دادن توسط عامل زیان را موجب مسئولیت مدنی عامل زیان دانسته است و در تبصره ۲ نیز صراحتاً نصب علائم هشداردهنده توسط عامل زیان موجب عدم مسئولیت مدنی او شناخته شده است. علاوه‌بر مقررات مذکور قانون‌گذار در مقررات دیگری از جمله تبصره ماده ۴۷۳ و ماده ۵۰۴ قانون اخیرالذکر و مواد ۹، ۴ و ۱۰ قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن مصوب ۱۳۴۹ نیز به نوعی قاعده تحذیر را مورد تأکید قرار داده است. علاوه‌بر مقررات عامی که در بالا به نقش قاعده تحذیر اشاره شد در قوانین و مقررات خاص پلیس نیز می‌توان نقش این قاعده را ملاحظه کرد. از جمله قوانین و مقرراتی که قانون‌گذار به‌طور صریح در مأموریت‌های انتظامی به این قاعده اشاره کرده است، قانون به‌کارگیری سلاح و آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی است.

از مصادیق هشدار به‌صورت خاص در مورد نیروهای مسلح می‌توان تیراندازی هوایی به‌عنوان هشدار قبل از تیراندازی به سوی متهم، اشاره کرد. پس از این‌که متهم به هشدار اولیه مأمورین (اعلام ایست) توجهی نکرد، تیراندازی هوایی توسط مأمور صورت می‌پذیرد در واقع مأمور با این اقدام، به متهم هشدار می‌دهد که عدم توجه به هشدار اولیه موجب تیراندازی او شده است و در این مرحله، متهم به‌طور جدی‌تری در معرض خطر تیراندازی قرار می‌گیرد و به خطر نزدیک می‌شود که در غیر این‌صورت، اقدام بعدی مأمور که همان تیراندازی کمر به پایین و کمر به بالا است، محقق خواهد شد. در خصوص نقش قاعده تحذیر در این خصوص باید گفت چنان‌چه مأمور پلیس شرایط مذکور را رعایت کند در اجرای ماده ۱۲ قانون به‌کارگیری سلاح

مسئولیت مدنی و کیفری نخواهد داشت و در صورتی که فرصت کافی برای اعلام هشدارهای مذکور را داشته و این هشدارها را رعایت نکرده باشد، مأمور مسئول خواهد بود.

لازم به توضیح است؛ وسیله هشدار، تأثیری در موضوع معافیت یا عدم معافیت نداشته و می‌تواند به هر شیوه‌ای اعم از بصری یا غیربصری باشد و آنچه مهم است؛ برخورداری هشدار از شرایطی نظیر مؤثر بودن هشدار است. بدین ترتیب هرگاه کارکنان نیروهای مسلح پیش از انجام مأموریت‌های خود، افراد را از رفتار خطاکارانه خود تحذیر نمایند و آن‌ها با وجود آگاهی از هشدار و خطرانی که ممکن است در اثر اقدام نیروهای مسلح متوجه آن‌ها شود، به آن توجهی نکنند؛ در صورت بروز حادثه خود مسئول بوده و مسئولیتی متوجه کارکنان نخواهد شد. در کل شرایطی که قاعده تحذیر برای رفع ضمان یا مسئولیت مدنی از کارکنان نیروهای مسلح باید وجود داشته باشد عبارتند از:

- ۱- هشدار مؤثر باشد، در مؤثر بودن، هشداردهنده باید ثابت کند که هشدار به نحو متعارف انجام یافته است. ۲- هشدار به شخص در معرض خطر برسد، یعنی شخصی که مشمول فعل زیان‌بار شده باید متوجه هشدار شده باشد، از این‌رو اگر ثابت شود که وی متوجه هشدار مثلاً به دلیل ناشنوائی نشده، ضمان زایل نمی‌شود. ۳- هشدار شونده یا شخص در معرض خطر امکان اجتناب از خطر را داشته باشد، از این‌رو اگر اثبات شود وی فرصت دوری از خطر را نداشته باز، مسئولیت متوجه مأمور بوده و ضمان از وی زایل نمی‌شود.

دفاع مشروع

دفاع مشروع در کلیه ادوار و تمامی جوامع و ادیان برای معافیت افراد مخصوصاً کارکنان دولتی از جبران ضرر به رسمیت شناخته شده است (علیزاده، ۱۳۸۹: ۱۷۳-۱۷۲). در نظام حقوقی ایران نیز دفاع مشروع به‌عنوان یکی از اسباب زوال مسئولیت، در قوانین و مقررات متعددی مورد پذیرش قرار گرفته است. (ماده ۱۵ مسئولیت مدنی، ماده ۳۳۰ ق.م.م، ماده ۱۵۶، ۱۵۷، ۳۸۰، ۵۲۵، بند ت ماده ۳۰۲ ق.م.ا و بندهای ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح).

برای استناد به دفاع مشروع به عنوان عامی برای رفع مسئولیت مدنی، نیاز است شرایط پیش‌بینی‌شده وجود داشته باشد. در غیر این صورت نمی‌توان به دفاع به عنوان عاملی برای رفع مسئولیت استناد کرد. با عنایت به مستندات قانونی یاد شده برای استناد به دفاع مشروع: ۱- تجاوز و حمله باید نامشروع باشد و اگر تجاوز مشروع باشد، دفاع کارکنان از آن نامشروع تلقی می‌شود؛ چنان‌که دزد نمی‌تواند در مقابل مأموران به بهانه دفاع مشروع ایستادگی کند. تجاوز هنگانی نامشروع است که شخص مهاجم نتواند برای رفع مسئولیت از خویش به یکی از علل رافع مسئولیت استناد کند. ۲- تجاوز کارکنان باید کنونی یا حال باشد یا حداقل احتمال وقوع آن به ظن قوی بسیار نزدیک و قریب‌الوقوع باشد (ماده ۱۵۶ ق.م.ا)؛ بنابراین انتقام‌جویی یا پیشگیری از مصادیق دفاع مشروع نیست. هرگاه خطر در آینده باشد و فرصت رجوع به مأموران و نیروهای دولتی باشد، دیگر مجالی برای اجرای حق و دفاع مشروع باقی نمی‌ماند. از خطر و حمله بسیار نیز می‌توان دفاع مشروع کرد به شرط این‌که قصد واقعی تجاوز به ظن قوی در مقایسه با موارد مشابه ثابت شود. به نظر می‌رسد که دفاع کننده باید این شرایط را ثابت کند تا دفاع او مشروع تلقی شود. اما تجاوز و تعدی که به کارکنان نیروهای مسلح صورت می‌گیرد باید فعلیت داشته باشد تا دفاع درمقابل آن، مشروع به حساب آید. احتمال حمله و تعدی از سوی فرد مهاجم بدون آن‌که در آن موقع، تجاوز فعلی صورت پذیرد، مجوز دفاع مشروع نیست، پس هرگاه «مأمور احتمال دهد که در مقابل تجاوز و تعدی قرار خواهد گرفت و بر این اساس مبادرت به دفاع نماید و آسیبی وارد سازد، دفاع وی مشروع نبوده و ملزم به جبران خسارت وارده می‌باشد» (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸: ۱۲). از سوی دیگر فعل مأمور دفاع کننده، مباح و مشروع می‌باشد و ضرر حمله کننده، غیرقابل جبران و برعهده خود او قرار می‌گیرد. از یک جهت می‌توان دخالت زیان‌دیده در ایراد خسارت را به فوق اضافه نمود. قاعده دفاع مشروع در قوانین مختلف از جمله ماده ۳۳۰ ق.م. مواد ۳۸۰، ۵۲۵ و ۱۵۶، بندت ماده ۳۰۲، قم ۱ و ماده ۱۵ ق.م.مورد پذیرش قرار

گرفته است. دفاع از دیگران نیز می‌تواند مصداقی از دفاع مشروع تلقی شود مشروط بر آن‌که دفاع ضرورت داشته و آن شخص برای دفاع استمداد کند.

دفاعی مشروع محسوب و کارکنان نیروهای مسلح را از مسئولیت مدنی معاف می‌سازد که باحمله متناسب باشد. یعنی زمانی دفاع مشروع خواهد بود، که مأموری مورد حمله واقع شده بتواند ثابت کند که برای دفع ضرر لاجرم باید حمله متقابل و متناسب با هجومی که به وی شده را انجام می‌داد. هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۸۳ مورخه ۴۸/۸/۲۱، اظهارنظر کرده است که اگر کسی تفنگ را از دست حمله کننده بگیرد و پس از آن به او شلیک کند یا در حال فرار او را بکشد، دفاع مشروع به حساب نمی‌آید (مجموعه رویه قضایی کیهان، ۱۳۴۸: ۹۹). ماده ۳ قانون به‌کارگیری سلاح و در ادامه این حکم تبصره ۳ آن ماده شرایط به‌کارگیری سلاح و استناد به ماده برای معافیت را عنوان داشته است. بنابراین این از حکم یادشده، تناسب دفاع با حمله استنباط می‌شود و این همان رعایت قواعد عمومی دفاع مشروع در خصوص اعمال و اقدامات مأمور است (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸: ۲۴۷-۲۴۶). نتیجه این‌که، دفاع به‌عنوان سببی برای رفع مسئولیت کارکنان، در صورتی قابل استناد است که هم تجاوز و تعدی مطابق شرایط پیش‌بینی شده باشد و هم دفاع واجد شرایطی که مقنن در نظر گرفته، باشد. بحث دفاع مشروع، به‌ویژه توسط کارکنان پلیس، به واسطه وظایف و مأموریت‌هایی که دارند، از دایره شمول زیادتری نسبت به سایر کارکنان نیروهای مسلح برخوردار است که مأمورین پلیس لازم است در توسل به آن به مقررات قانونی واقف باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

علل رافع مسئولیت یا اسباب معافیت از مسئولیت، یکی از مهم‌ترین قواعد عمومی در بحث مسئولیت مدنی است که مصادیق آن عبارتند از: ۱- قوه قاهره (فورس ماژور)، ۲- اقدام زیان‌دیده، ۳- تقصیر زیان‌دیده، ۴- حکم قانون و امر آمر قانونی، ۵- اضطرار، ۶- رضایت زیان‌دیده، ۷- تحذیر (هشدار)، ۸- دفاع مشروع. گستره این اسباب در مورد کارکنان نیروهای مسلح با توجه با اهمیت

مأموریت‌هایی که بر عهده دارند وسیع‌تر بوده و آن‌ها می‌توانند در موارد متعددی علی‌رغم ورود خسارت با استناد به هریک از این اسباب از مسئولیت مدنی رهایی یابند. نتایج پژوهش مؤید این حقیقت است که اسباب معافیت از مسئولیت مدنی به شرح ذیل، مانع برقراری رابطه سببیت بین رفتار زیان‌بار و خسارت وارده شده و کارکنان نیروهای مسلح از مسئولیت رهایی می‌یابند. برای توسل به قوه قاهره به‌عنوان سببی برای رفع مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح باید حادثه خارجی و به تعبیر دقیق‌تر، خارج از اراده کارکنان متعهد و قلمرو مسئولیت آن‌ها باشد. هم‌چنین حادثه‌ای فورس مائور تلقی می‌شود که غیرقابل اجتناب و به تعبیر دیگر غیرقابل دفع باشد. در واقع اجرای تعهد با وقوع چنین حادثه‌ای غیر ممکن می‌شود و هیچ‌کس متعهد به امر غیرممکن نیست. حادثه، هنگامی غیرقابل پیش‌بینی است که به‌طور معمول، امکان پیش‌آمدنش وجود نداشته باشد، بنابراین اگر کارکنان بتوانند علت خارجی را پیش‌بینی کنند، برای آن‌ها فورس مائور محسوب نمی‌شود، بررسی‌ها حاکیست که اگر قوه قاهره به تنهایی سبب ایراد خسارت باشد، مسئولیت به کلی از عهده کارکنان برداشته می‌شود؛ اما در جایی که قوه قاهره به‌همراه تقصیر زیان‌زننده سبب ایراد خسارت شده، مثل این‌که بر اثر سرعت غیرمجاز کارکنان راننده و تگرگ شدید، خسارتی ایجاد شود، موضوع محل اختلاف واقع شده است. مطابق با قاعده اقدام، هرگاه اثبات شود که شخصی با وجود امکان اجتناب و دوری از خطر، خود را در معرض آسیب‌های وارده از رفتار کارکنان نیروهای مسلح قرار دهد، عامل زیان مسئولیتی بر عهده نخواهد داشت. مبنای عدم مسئولیت عامل در چنین مواردی پذیرفتن زیان‌های احتمالی و بالقوه در آن است. تقصیر بزه‌دیده به عنوان سببی برای رفع مسئولیت قابلیت استناد خسارت به مرتکب رفتار زیان‌بار یعنی کارکنان نیروهای مسلح را از بین می‌برد. تقصیر بزه‌دیده نیز به مانند اقدام بزه‌دیده از دیگر اسباب معافیت از مسئولیت مدنی است که در مورد نیروهای مسلح نیز قابلیت استناد دارد. سیر قانون‌گذاری در ایران نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار هم به صورت عام و هم در موارد خاص تقصیر زیان‌دیده در وقوع فعل زیان‌بار و معافیت از

مسئولیت مرتکب رفتار زیانبار را پیش‌بینی کرده است. هم حکم قانون و هم امر آمر، در صورت حصول شرایط پیش‌بینی شده از مأمور رفع مسئولیت می‌کند. برای استناد به هر کدام، قانون‌گذار شرایطی را پیش‌بینی کرده که در صورت اثبات این شرایط و عدم تقصیر ضمان منتفی خواهد بود. برای استناد به حکم قانون، لازم است قانون معتبر بوده و مأمور در محدوده صلاحیتش اقدام کرده باشد در امر آمر نیز؛ اولاً باید آمر و امر هر دو قانونی باشند، ثانیاً، آمر صلاحیت صدور امر را داشته و ثالثاً؛ آمر مرتکب در حدود دستور صادره اقدام کرده باشد. از دیگر اسباب زوال مسئولیت بوده که مأمور می‌تواند در صورت اثبات شرایط اضطرار و عدم تقصیر خود، از مسئولیت رهایی یابد. بدین ترتیب، اگر مرتکب تقصیر یا خطای فاحشی شده باشند یا اثبات شود که جان یا مال یا اموال سازمان در خطر اضطراری نباشد، رفع مسئولیت منتفی است. البته در موارد پذیرش اضطرار به‌عنوان عاملی برای رفع مسئولیت نیز، اگر مشخص شود که مأمور در راستای حفاظت از اموال سازمان یا جان یا مال خود خسارتی به زیان دیگری خطری را دور کرده و این امر موجب خسارت آن دیگری شده، عدم مسئولیت وی به استناد اضطرار، مانع جبران خسارت وارده نخواهد شد و سازمان ملزم است نسبت به خسارت وارده به چنین شخصی اقدام کند. در صورتی که زیان‌دیده با رضایت خود اسباب ورود خسارت علیه خود را فراهم کند، رابطه سببیت بین رفتار کارکنان نیروهای مسلح مخدوش بوده و آن‌ها تعهدی برای جبران خسارت نخواهند داشت. هشدار زمانی می‌تواند کارکنان را از جبران خسارت معاف کند که آن هشدار در زیان‌دیده مؤثر واقع شده و امکان و فرصت دورشدن از خطر را داشته باشد. علت معافیت نیز، قطع رابطه سببیت است با این توضیح که تحذیر رابطه سببیت بین رفتار کارکنان نیروهای مسلح و خسارت وارده را از بین می‌برد و مانع تحقق مسئولیت مدنی کارکنان می‌شود. دفاع به‌عنوان سببی برای رفع مسئولیت کارکنان، در صورتی قابل استناد است که هم تجاوز و تعدی مطابق شرایط پیش‌بینی شده باشد و هم دفاع واجد شرایطی که مقنن در نظر گرفته، باشد. بحث دفاع مشروع، به‌ویژه توسط کارکنان پلیس، به واسطه وظایف و مأموریت‌هایی که دارند، از دایره

شمول زیادتری نسبت به سایر کارکنان نیروهای مسلح برخوردار است که مأمورین پلیس لازم است در توسل به آن به مقررات قانونی واقف باشند.

پیشنهادهای

با توجه به اهمیت مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح و تفاوت‌هایی که بین مأموریت‌های پیش‌بینی شده برای آن‌ها با سایر کارکنان وجود دارد، تدوین قانونی خاص در خصوص مسئولیت مدنی آن‌ها و تقنین موارد خاص معافیت آن‌ها از مسئولیت مدنی امری ضروری بوده و می‌تواند کاربردی باشد.

سیاس‌گذاری

از تمامی کسانی که ما را در نگارش و تدوین این مقاله یاری کردند، کمال تشکر و امتنان را داریم.



باریکلو، علیرضا (۱۳۹۶). حقوق مسئولیت مدنی. چاپ هفتم. تهران: انتشارات نشر میزان.

باشکوه، مظفر، و نوروزی قره‌آغاچ، کریم (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از اعمال حاکمیت نیروهای مسلح در حقوق ایران و ترکیه. دانش/انتظامی، ۲۵ (۲)، ۳۰۱-۳۲۵. قابل بازیابی از:

<https://www.doi.org/10.22034/pok.2023.204995.1371>

برخوری مهنی، علیرضا، حاجی تبارفیروزجائی، حسن، و اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۹). مسئولیت ناشی از کوتاهی مأموران پلیس در تحت نظر قرار دادن افراد با تأکید بر نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و امریکا. فصلنامه نظارت و بازرسی، ۱۴ (۵۱)، ۱۴۴-۱۱۱. قابل بازیابی از:

<https://doi.org/10.22034/si.2020.95239>

بیرانوند، رضا (۱۳۹۵). مطالعه عوامل رافع مسئولیت مدنی پلیس در حقوق ایران و حقوق عرفی. رساله دکتری. دانشگاه خوارزمی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

بیرانوند، رضا، و میرکمالی، سیدعلی (۱۴۰۲). دفاعیات مبتنی بر تحدید مسئولیت در دعاوی مسئولیت مدنی با تأکید بر مسئولیت مدنی پلیس. فصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۲ (۲۳)، ۱۳۲-۱۱۷. قابل بازیابی از:

<https://doi.org/10.30473/clk.2023.69679.3209>

تقی‌زاده، ابراهیم، و هاشمی، احمدعلی (۱۳۹۵). مسئولیت مدنی. چاپ دوم. تهران: مرکز چاپ و نشر دانشگاه پیام نور.

تقی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۴). حقوق حمل و نقل دریایی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات مجد.

جمال بخشی، علی، و کاظمی، قباد (۱۳۹۹). جبران خسارت بازداشت منتهی به براءت مظنون و متهم در پرتو اسناد بین‌الملل و فقه (نظریات امام خمینی «ره»). نظارت و بازرسی، ۱۵ (۵۲)، ۵۰-۳۱. قابل بازیابی از:

<https://www.doi.org/10.22034/si.2020.95292>

حافظی، الهام، و قاسم‌زاده زاویه، سیدمرتضی، سوادکوهی، سام، و باقرزاده، احد (۱۳۹۸). بازپژوهی ملاک‌ها و ضوابط تحقق قوه قاهره در پرتو اعتبار قضایی یافته‌ها و پیشرفت‌های علمی در عرصه دانش فنی و مهندسی. جامعه‌شناسی سیاسی/ایران، ۲ (۱)، ۲۰۵-۱۹۲. قابل بازیابی از:

<https://doi.org/10.30510/psi.2021.316017.2686>

حسین‌پور، زینب (۱۴۰۳). مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران. تهران: انتشارات فر قلم.

سجادی‌کیا، مهدی، قربانی، ابوالقاسم، و محمدی مقدم، محمدجواد (۱۴۰۳). تأملی نو پیرامون نقض حقوق شهروندان و مسئولیت مدنی مأموران انتظامی با نگاهی به فقه امامیه. حقوق و مطالعات سیاسی، ۴ (۱)، ۸۳-۷۰. قابل بازیابی از:

<https://doi.org/10.48309/jlps.2024.1.5>

شعاریان، ابراهیم، و جباری، منصور (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی پلیس. چاپ اول. تبریز: چاپ فروش.

شعاریان، ابراهیم، و جباری، منصور (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی پلیس در نقض وظیفه مراقبت. فصلنامه دانش انتظامی، ۳ (۱۱)، ۲۷۰-۲۳۸. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/paper/100581/fa>

شمشیری، علیرضا (۱۴۰۱). مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پلیس، نشریه کارآگاه، ۱۶ (۶۰)، ۱۸۳-۱۶۷. قابل بازیابی از:

<https://www.magiran.com/p2486517>

صفائی، حسین، و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ دهم. تهران: انتشارات سمت.

صفائی، سیدحسین (۱۳۹۱). مبنای مسئولیت مدنی پزشک با نگاهی به لایحه جدید قانون مجازات اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۷ (۵۸)، ۱۵۶-۱۴۱. قابل بازیابی از:

https://jviews.ujss.ac.ir/article_703375.html

عباسلو، بختیار (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری. فصلنامه دانش انتظامی، ۲ (۱۲)، ۸۷-۱۳۰. قابل بازیابی از:

<https://sid.ir/paper/100523/fa>

علیزاده، علی (۱۳۸۹). مسئولیت کیفری. چاپ اول. تهران: انتشارات گل مریم.

فضلی روزبهانی، محسن، و طاهرزاده، مهدی (۱۴۰۱). بررسی موانع و چالش‌های اعمال مسئولیت مدنی کارکنان و مدیران سازمان‌های دولتی در ایران و ارائه راه کارهای مناسب، ششمین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی. قابل بازیابی از:

<https://www.allconferencealert.ir/doc/455>

قادری، معصومه، جوادی، محمد حسن، و جعفرزاده، سیامک (۱۳۹۹). انطباق مسئولیت مدنی و عدالت اجتماعی: توجه به مؤلفه تقصیر عمدی. اخلاق در علوم و فناوری، ۱۶ (۲)، ۳-۹. قابل بازیابی از:

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.22517634.1400.16.2.3.8>

قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی بدون قرارداد. چاپ چهارم. تهران: نشر میزان.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). الزام‌های خارج از قرارداد. قواعد عمومی. چاپ ۸. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر، جنیدی، لعلیا، و غمامی، مجید (۱۳۸۰). مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی. فصلنامه حقوق، ۳۹ (۱)، ۲۱۴-۱۸۹. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/paper/125107/fa>

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). مسئولیت‌های خاص و مختلط. چاپ هشتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نظری، ایراندخت (۱۳۹۵). حقوق مدنی ۴. چاپ دوم. تهران: انتشارات مجد.

محمدی‌نیا، امید (۱۳۹۵). نقش علم به قانون در مسئولیت مدنی و کیفری ضابطان دادگستری. نظارت و بازرسی، ۱۱ (۳۷)، ۱۳۲-۱۱۵. قابل بازیابی از:

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17359554.1395.1395.37.6.8>



هادی پور، محمدحسن و ملائی کندلوس، فخرالله، و گلیجانی مقدم، حامد (۱۴۰۱). مسئولیت ۸ (۲)، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، مدنی ناشی از قصور ضابطین دادگستری. ۶۷۸-۶۷۰. قابل بازیابی از:

<https://irijournals.ir/journals/05-Political-sciences/v8-i2-summer01/paper38.pdf>

Kappeler, V. E., & Del Carmen, R. V. (1990). Police civil liability for failure to arrest intoxicated drivers. *Journal of Criminal Justice*, 18(2), 117-131. Retrieved From:

[doi:10.1016/0047-2352\(90\)90030-F](https://doi.org/10.1016/0047-2352(90)90030-F)

Orebic, Matthew J., (2014), *Police Civil Liability Lawsuits In California, League of California Cities*.

